



حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّىاللهعليهواله قال له : ...فَابْشِرْ وَبَشِّرْ أَوْلِيَاءَكَ وَ مُجْتَبَيْكَ مِنَ التَّعْلِيمِ وَ فِرَّةُ الْعَيْنِ بِمَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَ لَا أَذَنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشِّرْ ...

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌واله به او (علی علیه‌السلام) فرمود: «... پس اولیا و دوستاندانت را به نعمت جوادان (پرهیزت)، مژده و بشارت بده و چشم روشنی‌ای که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده و نه بر دل کسی گذشته است...»

بودجه سینمایی با نیازهای سینما تناسب ندارد اما با هنر مدیریت می‌توان

دست به اقدامات جدی زد



تولیدات سینمایی در سال جاری در نهادهای دولتی افزایش داشته که این موضوع هم با افزایش بودجه و هم کمک نهادهای اقتصادی ممکن شده است؛ حال این اتفاق می‌توان در سال آتی نیز رخ دهد هرچند که میزان بودجه باید به مراتب بیشتر از اینها باشد.
تأثیر بودجه‌ها و افزایش و کاهش میزان آنها بر تولیدات فرهنگی امری غیرقابل انکار است. سال جاری بودجه سازمان سینمایی به عنوان معاون امور سینمایی، سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۵،۳۳۲،۸۷۱ میلیون ریال بود، رصد این بودجه در حوزه تولیدات باید از درجه و خروجی بنیاد سینمایی فارابی بررسی شود.
امسال بنیاد سینمایی فارابی فیلم در دست تولید دارد که ۸ فیلم از این تعداد برای جشنواره فیلم فجر فرم حضور پر کرده است.
این تعداد تولید برای بنیاد سینمایی فارابی در تمام سال‌های اخیر بی‌سابقه است. درست است که باید کیفیت را در این میان بررسی کرد و نهاد دولتی باید کار با کیفیت و ارزش بالا تولید کند اما در نظر باید داشت که یک کمپانی سینمایی اولاً باید در حد وسیع و نه در سال دو سه فیلم تولید کند. نگاهی داشته باشیم به تعداد فیلم‌های کمپانی‌هایی مانند بنیورسال، دریم ورکرز، دیزنی، پارامونت و ... که البته و بدون شک بنیاد سینمایی فارابی نمی‌تواند خود را با آنان باتوجه به سرمایه هفت‌هشتان مقایسه کند. اما آیا تمام فیلم‌های همان کمپانی‌ها و دیگر شرکت‌های تولید فیلم در اروپا و آسیا دارای کیفیت و نمره قابل قبول از سوی منتقدین و مخاطبین سینما دنیا است؟ قطعاً جواب منفی است و کافی است نگاهی کنیم به فروش پایین و کیفیت نازل برخی از آثار چه در حوزه فیلم بلند سینمایی و چه در حوزه انیمیشن. اما در عوض تولید وسیع و بالا باعث می‌شود که اولاً تجربه‌ها و چهره‌های جدید وارد سینما شوند،دوم اشکال و رویکردهای جدید در سینما دیده شود و سوم سرعت تولید و میزان کمی آثار بالا رود که همین منجر به افزایش اشتغال می‌شود.
طبیعی است که تعداد فیلم‌ها و آثار برای یک کمپانی اهمیت دارد و توسط مردم یک جامعه مطالبه می‌شود. بنابراین افزایش بودجه سازمان سینمایی که با وجود گرانی‌ها و تورم رزم بالایی

نیست، امری درست و بجا است.
رقمی که امسال سازمان سینمایی توانسته برای بودجه سینمایی خود بگیرد، ۴۲۱،۵۶۶ میلیون ریال است که نسبت به سال جاری ۳۶ درصد افزایش دارد. همچنین در بخش اعتبار طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای رقم ۲۲۰ میلیارد و ۵۹ میلیون تومان قید شده است. البته مشخص است که این بودجه تماماً برای تولیدات بنیاد سینمایی فارابی هزینه نمی‌شود و برای بخش‌های دیگر مانند انجمن سینمای جوانان ایران که خود را فراموش نکنند. همچنین طبق قانون قرار بر این بود که درصدی از بودجه‌های نهاده‌ها و سازمان‌ها صرف تولیدات شود اما این اتفاق تنها برای نمایش‌های فرهنگی و برنامه‌های جانبی و نه تولیدات فرهنگی رخ داد به این ترتیب که هرکدام از وزارت‌خانه و ارگان‌ها خود با برگزاری برنامه، جشنواره و همایشی این درصد را صرف فرهنگ می‌کنند. اما بهتر آن است که همین وزارت‌خانه‌ها متناسب با اهداف و سیاست‌گذاری‌های خود وارد جریان تولید شوند.

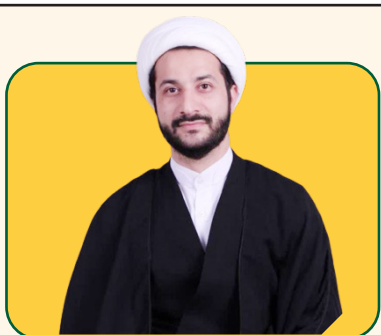
حاشیه‌سازی‌ها درباره «پدر گوار دیولا» و چند خبر جدید از نمایش خانگی



یکی از اعضای هیئت علمی پانزدهمین دوره جایزه جلال بر افزوده شدن و بها دادن به داستان‌های مینی‌مال به عنوان یکی از قالب‌های مورد علاقه مخاطبان ناک آکاید کرد.

پانزدهمین دوره جایزه جلالبا اعلام برگزیدگان در بخش‌های «داستان بلند و رمان»، «داستان کوتاه»، «هستندنگاری» و «قد ادبی» به کار خود پایان می‌دهد. اکبر صحرایی، از اعضای هیئت علمی این دوره جایزه جلال و از برگزیدگان دوره‌های قبل این رویداد ادبی است. او در گفت‌وگویی تأکید کرده است که آنچه باعث رونق جوایز ادبی می‌شود، ایجاد فضا برای بررسی تمامی تله‌ها و همه گونه‌های متداول ادبی است؛ البته می‌توان تلاش کرد که برخی از گونه‌های تازه نیز در این مسیر بیشتر در معرض توجه مخاطبان قرار گیرد.

این نویسنده نام‌آشنا ادامه داد: در حال حاضر در روزگاری به سر می‌بریم که باید به تمام گونه‌های داستان‌نویسی اهمیت داد و نمی‌شود یک گونه را طرد و گونه دیگر را راجح قرار داد. به عنوان مثال، زمانی بود که رقابت بین داستان کوتاه و رمان وجود داشت؛ ولی حالا داستان‌های خیلی کوتاه یا مینی‌مال را هم داریم که باید در رقابت‌های ادبی برای آنها جای ویژه باز کرد. نویسنده کتاب «خمپاره خواب‌آلود» اضافه کرد: بعضی از دوستان شاید به این نوع داستان‌نویسی مینی‌مال اعتقادی نداشته باشند؛ ولی شخصاً فکر می‌کنم داستان مینی‌مال بسیار گونه مهمی است و شاید دلیل عدم استقبال از این حوزه توسط برخی نویسندگان، سختی کار باشد. جوایز ادبی مانند جایزه جلال می‌توانند با توجه به این بیشتر مخاطبان با آن را فراهم کنند. نویسنده شرایط رشد حرفه‌ای گونه و ارتباط بین‌المللی را توضیح داد: «من می‌توانم بگویم که در قات‌های ادبی نیز به این گونه‌ها بها تر می‌تواند ساختار داستانش را تنظیم کند، اما در کار کوتاه کوتاه (مینی مال) باید در اجماع، نویسنده حرف اصلی‌اش را بزند که این خود نیاز به دقت و هوشمندی بالای نویسنده دارد و برای همین رقابت میان مینی‌مال‌نویسان هم جذاب‌تر خواهد شد. این نویسنده افزود: کتاب «آنا هنوز هم می‌خندد»، یکی از اولین کتبی است که در قالب داستان کوتاه کوتاه به نگارش درآمده است و به نظرم نسل جوان و نسل دهه ۸۰ از این نوع کارها استقبال خوبی می‌کنند. ما در کنار داستان کوتاه کوتاه، می‌توانیم از پتانسیل جنگ نیز استفاده کنیم



مدیر گروه صنفی حق التدریس کاشان :

حجت الاسلام و المسلمین استاد مجتبی خندان
موضوع :
نابرابری اجتماعی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی
قسمت نهم

اسلام با «عصبیت جاهلیت» در هر شکل و صورت مبارزه کرده است تا مسلمانان جهان را، از هر نژاد و قوم و قبیله به زیر پرچم واحدی گرد آورد. نه پرچم قومیت و نژاد و نه پرچم غیر آن؛ زیرا اسلام هرگز این دیدگاه‌های تنگ و محدود را نمی‌پذیرد و همه را موهوم و بی‌اساس می‌شمرد «همان، صص ۱۰۱ و ۱۰۲). و هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«همان، ص ۶۲) «وَالنَّاسُ كَاشْتَانِ الْمَشْطِ: مردم مثل دندان‌ه‌های شانه هستند و همه با هم برآدرند» ۱۰

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ صحبت‌های مسلمان، رو به جماعتی که همه از قریش بودند، فرمود:

ای گروه قریش خون یعنی چه؟ نژاد یعنی چه؟

در سیره نبوی، هرگونه کوشش و عادت‌ی که بتواند منشأ تفاوت‌های بیجا در حقوق شود، باطل به شمار می‌آید. که سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهوگوای این مطلب است.

ایشان فرمود:
إِنَّ رِثْمَكُمْ وَاحِدَةٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تَرَابٍ.

همانا پروردگار شما یکتاست. هم چنین پدر شما یکی است و همه شما از آدم و آدَم از خاک است.

نسب افتخارآمیز هر کس، دین اوست. مردانگی هر کس عبارت است از خلق و خو و شخصیت او اصل و ریشه هر کس، عبارت است از عقل و فهم و ادراک او، چه ریشه و اصل و نژادی بالاتر از عقل!

یعنی به جای افتخار به استخوان‌های پوسیده، به دین و اخلاق و عقل و فهم خود افتخار کنید.<< (همان، ص ۶۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۰)

در د پایان این بحث می‌توان دریافت که : مالکیت فرد یا دولت، مالکیت مطلق نیست، بلکه اموال، در دست افراد امانت و مالکیت آنان، مالکیت مجازی و اعتباری به شمار می‌رود؛ زیرا مالک حقیقی همه اشیا، خداست و خداوند به زودی به حساب همه آنان که مالی را کسب کرده یا مالی در اختیار آنان بوده و در آن تصرف کرده‌اند، رسیدگی خواهد کرد و در نتیجه لازمه این امر آن است که اموال نباید در اختیار سفیهان و تبذیرکنندگان قرار گیرد. تَشَأْ لَنْ يُوَفِّيَ غِنِ التَّعْمِ، تکار: ۸)

به زودی در این روز (قیامت) درباره نعمت‌ها سؤال می‌شود.

نتیجه دیگری که این مسئله در پی خواهد داشت، آن است که دیگر جایز نیست نیازمندان و ناتوانان از این اموال محروم شوند. وَ أَتُؤْمِنُ مِنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكَ، نور: ۳۳) از اموالی که به خدأ تعلق دارد و خدا به شما داده است، به فقیران بدهید.

هم چنین اثر بعدی این است که اموال نباید در میان شمار اندکی (توانگران) در گردش باشد. كَيْ لَا يَكُونَ ذُلٌّ لِبَنِّ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ، حشر: ۷)

تا این که اموال در میان توانگران شما دست به دست نگردد.

بالتر از همه، اثر دیگر این است که وقتی دولت یا فرد نتواند از اموال، درست و بهینه برای مصلحت فرد یا جامعه بهره بردارد، مشروعیت مالکیت چه خصوصی و چه عمومی از بین می‌رود. (نک. محمد شوقی الفنجری، ترجمه: یوسف محمدي، فصلنامه اقتصاد

اسلامی، سال دوم، شماره ۷،پاییز۱۳۸۱)

شوند مفاات مینی و منفی را یاد می‌گیرند راه و رسم زندگی را با تقلید از اعمال ما (والدین) می‌آموزند و آن چه را که درباره ما درک می‌کنند به دیگران تعمیم می‌دهند. پس چه خوب است محیطی در خانواده خود فراهم کنیم که اکند از صفا و صمیمیت شادی و نشاط مهر و عطوفت تفریحات مناسب و گردش‌های به موقع باشد.

به طور کلی خانواده شاد - که شادی خود را از خوشبختی و تفاهم فی مابین اکتساب نموده اند - جامعه‌ای شاد و با نشاط و لبریز از صلح و صفا را می‌سازد.

امروزه امار طلاق به طرز نگران کننده ای روبه افزایش است و این میزان در شهر تهران نسبت به دیگر شهرهای کشور رشد بیشتری نشان می دهد و این در حالی است که در گذشته نه چندان دور طلاق امری ناپسند شناخته می شد و زن و شوهر خویشتن ادبی و وفاداری بیشتری از خویش نسبت به حفظ کانون خانواده نشان می دادند

ضمناً آمار ارقامی که بعضاً توسط مراجع ذریبط در این خصوص اعلام می شود تنها از شکل قانونی و رسمی طلاق حکایت دارد در صورتی که شکل دیگری از طلاق که در جامعه ایرانی به وفور دیده می شود و از آن به «طلاق عاطفی» یاد می کنند همچون طلاق رسمی روبه افزایش است . این شکل از طلاق هر چند بنیان خانواده را تهدید نهاد اجتماعی را از میان نمی برد اما خانواده را چنان بی روح و تهی می سازد که عواقب طلاق رسمی را در پی دارد.

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۰۹۵

۲۶ دی ماه ۱۴۰۱ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

فرهنگ و هنر

مسعود آب پرور – کارگردان:

دوست دارم در تلویزیون کار کنم اما ...



نمی گیرد؟ می گوید: دلایلش را خیلی نمی دانم، ولی اگر در حوزه تلویزیون صحبت می کنید، معمولاً الان خود تلویزیون موضوعاتش را سفارش می دهد و ساخت سریالی که بنا به خواست برنامه ساز و فیلمساز باشد، بسیار محدود است. خود تلویزیون سیاست‌های کلانی دارد و بر مبنای همان‌ها تولید فیلم، سریال‌ها و برنامه‌های ترکیبی را سفارش می‌دهد.

این کارگردان تأکید می‌کند: در حوزه پلتفرم‌ها اما من فکر می‌کنم سرمایه‌گذاران خصوصی باید باشگاه‌هایمان را به سمت حرفه‌ای شدن ببرند و خودشان هم سرمایه‌گذاری کنند. اخیراً یکی از باشگاه‌های بزرگ تهران از من خواست تا یک برنامه ترکیبی برای پلتفرم‌ها طراحی کنیم که ما دوستان را جمع کردیم، اتفاق فکر تشکیل دادیم و این کار را انجام دادیم اما با اتفاقات اخیر اجتماعی هم‌زمان شد و کمی هم باشگاه‌های ورزشی به واسطه جام جهانی دچار حواشی شدند و فعلاً هم این کار در هاله‌ای از ابهام مانده است. هیچ چیز ثبات ندارد، نمی‌توان از قبل برنامه‌ریزی کرد و متأسفانه این معضل وجود دارد.

کاش سریال‌های جدید مردم پسند سازند

مسعود آب پرور در پایان نظیرش را درباره بازیخش مجموعه «ژپوئر» از شبکه پنج اینگونه اظهار می‌کند: من فکر می‌کنم مردم ترجیح می‌دهند سریال‌های جدید ببینند تا سریال‌های قدیمی و کهنه. کاش تلویزیون به جای تکرار سریال‌های قدیمی، برای تولید سریال‌های جدیدی که مردم موضوعاتشان را دوست دارند، همت کند. گویا دوستان دنبال استانداردهای دیگری هستند، شاید هم ما متر و معیارها را از دست داده ایم.

مهارت‌های نویسندگی «تداعی‌های واژگانی»



مثال: «او به چنین جایگاهی رسید؛ او این جایگاه را پذیرفت، او به چنین جایگاهی دست‌یافت، او در چنین جایگاهی نشست؛ او به چنین جایگاهی قرار گرفت؛ او را به چنین جایگاهی رساندند.» رسید ثمره تلاش و لیاقت، پذیرفت نتیجه تحمیل، دست‌یافت اثر به اب و آتش زند، نشست فرجام عمل غاصبانه، قرار گرفت و رساندند هم محصول زد و بند است. عبارت‌های «با هم جنگیدند؛ زد و خورد کردند؛ یورش بردند، به هم برپریدند؛ رو در رو هم ایستادند؛ شاخ و شانه کشیدند، گلاویز شدند، پاچه هم را گرفتند، بینشان شرکاب شد و بینی هم را به خاک مالیدند» هر کدام در جا و فضایی ویژه، معنایی بهتر و رساتر می‌سازد. «افشاندن، پاشیدن و ریختن» معنایی همانند دارند؛ ولی گل را می‌افشاندن، نمک و زهر را می‌پاشند و خون و آبرو را می‌ریزند. بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم (حافظ)؛ نمک پاشیدی و کردی کبابم (بهار)؛ به طعنه می‌سامانی کلمه‌ها میسر نمی‌شود.

نویسنده مدیر، کارفرما و مهندس است. دانش و زیرکی اوست که بناهای استوار و آبادی همچون بوستان و گلستان بر جای می‌گذارد. هر حرف و اسم و فعلی کار و رسالتی بر دوش دارد. تنها کاربرد نابجا با اشتباه آن‌ها نیست که به نوشته‌ها زیان می‌زند؛ بلکه ندانستن چو حاکم و نفهمیدن هواپرا پیرامون آن‌ها نیز از وجاهت جمله‌ها می‌کاهد.

نویسندگان پادشاهان اقالیم و اژگان‌اند. آنان همچون کارشناسان هواشناسی جو سرد و گرم یا هوای صاف و بارانی قلمرو خود را زیر نظر دارند. باد، طوفان، سیل، زلزله، خطلی، فراوانی، آرامش، خشکی و رطوبت واژه‌ها

میان دو انگشت نویسنده می‌چرخد. همتشین کلمات به‌خوبی می‌داند که دوستان او افزون بر معنای مطابقی، تداعی‌های فرا لفظی هم دارند؛ بنابراین هم به موضوع‌له واژه‌ها توجه دارد هم به روحی که در آن‌ها حلول کرده است.

مسعود آب پرور از کارگردانان باسابقه می‌گوید: دوست دارم برای تلویزیون کار کنم اما گویا برنامه‌های تلویزیون همه معلق مانده‌اند یا حداقل برای ما معلق‌اند.
سریال «هستوران ۱» آخرین ساخته تلویزیونی مسعود آب پرور بود که تیر ماه امسال از شبکه یک سیما روی آنتن رفت. پس از ساخت هفت قست از این سریال توسط سیدجمال سیدحاتمی، کارگردانی ادامه قسمت‌ها بر عهده مسعود آب پرور قرار گرفت و علماً پناهی، تهیه‌کننده، سرعت در روند تولید را علت این امر عنوان کرد. «هستوران ۲» اما دوباره به سیدجمال سیدحاتمی سپرده شد و اینطور که گفته می‌شود، این روزها در حال ساخت است.

علت دوری از تلویزیون

آب پرور که کارگردانی سریال‌هایی چون «عملیات ۱۳۷۵»، «هوش سیاه»، «زخم» و «ژپوئر» را هم برای تلویزیون بر عهده داشته است، حالا در گفت و گویی با ایسنا درباره علت دوری اش از تلویزیون می‌گوید.

این کارگردان باسابقه ابتدا در واکنش به این جمله که چرا از تلویزیون دور شده اید؛ آیا این مسئله بنا به خواست خودتان بوده است؟ بیان می‌کند: من دوست دارم کار کنم اما به نظر می‌آید برنامه‌های تلویزیون معلق است یا حداقل برای ما معلق است؛ نه دعوتی صورت گرفته و نه پیشنهادی وجود دارد. پیشنهادها هم مینظرو: معلق مانده است. فقط می‌توانم همین را بگویم.

تلویزیون کارهایش را خودش سفارش می‌دهد

او سپس درباره بازیخش مجموعه «ژپوئر» از شبکه پنج سیما، به این پرسش که چرا علیرغم هیجان و جذابیت‌های سریال‌های فوتبالی، این موضوع چندان مورد توجه قرار

نمی‌گیرد؟

بدحالی و خوش‌حالی همیشه صفت آدمی نیست. واژه‌ها نیز جان، وضعیت و حالت دارند. می‌خندند و می‌خنداند، جیغ می‌زنند، می‌رقصدند، رو ترش می‌کنند، اشک درمی‌آورند، شاخ‌وشانه می‌کشند، طوفانی و آرام می‌شوند و روح و عواطف این و آن را به یازی می‌گیرند.

«واژه» زنده است؛ نفس می‌کشد؛ دم سرد و گرم دارد؛ برای خودش قد و قواره و قیافه و قاعده و قانون دارد؛ قوم و قبیله و تبار و نژاد دارد؛ سر بر شور یا دل بر خون، دست کج یا پای صاف دارد. کزختی، زمختی، نرمی و درشتی از خلق‌وخوی الفاظلی است که می‌گویم یا می‌نویسم. نویسنده ندی همیشه جفت بدحلاان و خوش‌حالاتی به نام واژه است. او باید حال و هوای این موجودات هزاررنگ را بفهمد و هر کدام را در مملکت صفحات، به جای خود بنشاند؛ زیرا سامان یک نوشته با بی‌سامانی کلمه‌ها میسر نمی‌شود.

نویسنده مدیر، کارفرما و مهندس است. دانش و زیرکی اوست که بناهای استوار و آبادی همچون بوستان و گلستان بر جای می‌گذارد. هر حرف و اسم و فعلی کار و رسالتی بر دوش دارد. تنها کاربرد نابجا با اشتباه آن‌ها نیست که به نوشته‌ها زیان می‌زند؛ بلکه ندانستن چو حاکم و نفهمیدن هواپرا پیرامون آن‌ها نیز از وجاهت جمله‌ها می‌کاهد.

نویسندگان پادشاهان اقالیم و اژگان‌اند. آنان همچون کارشناسان هواشناسی جو سرد و گرم یا هوای صاف و بارانی قلمرو خود را زیر نظر دارند. باد، طوفان، سیل، زلزله، خطلی، فراوانی، آرامش، خشکی و رطوبت واژه‌ها میان دو انگشت نویسنده می‌چرخد. همتشین کلمات به‌خوبی می‌داند که دوستان او افزون بر معنای مطابقی، تداعی‌های فرا لفظی هم دارند؛ بنابراین هم به موضوع‌له واژه‌ها توجه دارد هم به روحی که در آن‌ها حلول کرده است.

نماینوای هرچند اخذ مجوز انتشارند.